بيداري اسلامي نقش انقلاب اسلامي ايران و رهبري آن در رشد روند بيداري اسلامي

بيداري اسلامي نقش انقلاب اسلامي ايران و رهبري آن در رشد روند بيداري اسلامي

مسلم آخوندي- زهرا مددي

چكيده

إنّ َ ا َ لا يغَير مَا بِقَومٍ حَتّ َي يغَييرُوا مَا بِأ َنفُسِهِم (رعد 11)

طلوع خورشيد اسلام در سرزمين تاريک و کفرزده عربستان نويدي بود در افق اميد زندگي. زماني که جهل و ناداني، ظلم و جور، حق کشي و زورگويي از مصديق مسلم و مسلط بر جامعه ي بشري شده بودند و جزء عده و عده، شمشير و قدرت قبيلگي حرف حق ديگري شنيده نمي شد طفلي چشم به دنيا گشود که در ميان اعراب کوچ نشين طفوليت خود را طي نمود. محمد عبدا بنده اي شد که با ديگر همنوعان تفاوت اساسي داشت. صداقت و امانت او چنان درخشيد که او را شهرت جهاني داد و به امين ملقب گرداند.

در چهل سالگي پنجره اي از تفاوتهاي شخصيتي او بر جهانيان آشکار گرديد؛ زماني که به وي خطاب رسيد:

يا أَيهَا المُدَّثِّرُ، قُم فَأَنذِر، وَرَبَّكَ فَكَبِّر...(مدثر 1 و 2و 3)

نداي دعوت همگاني آخرين دين الهي در فضاي ابهام‌آميز عربستان طنين‌انداز شد و نادي آن محمد امين(صلي ا‌ عليه و آله و سلم) به عنوان خاتم‌المرسلين دعو.ت امت اسلامي را علني كرد تا طليعه نوراني و نجات‌بخش را بر كام تشنه و خشكيده مردم هديه نمايد[1].

از آن روزگاران به بعد بود كه نداي يا ايها‌المسلمين و يا ايها المؤمنين توسط مناديان حق در گوشه و كنار جهان بر گوش جان حق‌باوران ترنم نجات بخشيد؛ ظهور و بروز دين اسلام و نشر و بسط آن در جهان انساني روح تازه در جان آدميان دميد. تلاش بيست و اندي سال پيامبر و به دنبال آن جانفشاني و ايثارگري ائمه عليهم‌السلام و مؤمنين و مسلمين پيرو ولايت، دين اسلام را جهاني نمود و در گستره عالم عرضه كرد.

امروز به بركت نهضت جهاني رسول اعظم صلي‌ا‌ عليه آله و سلم، حركت‌هاي انقلابي و اسلامي متأثر از آن با شاخص انقلاب رهايي‌بخش جمهوري اسلامي ايران به رهبران حضرت امام خميني(ره) در اقصي نقاط اين جهان پهناور آغاز شده و نويدبخش آينده‌اي روش از عالمگير شدن آيين اسلام دارد. نگاهي اجمالي به اين موضوع و بررسي عالمانه حركت‌هاي بيدارگرانه گوياي اين حقيقت است كه انقلاب اسلامي سرآغاز خيزش‌هاي اساسي و اسلامي در جهان معاصر است كه با تمسک به آموزه‌هاي ديني و شرع مقدس فصل نويني در باب حاكميت ديني فرا روي جهانيان گشود و با خط بطلان كشيدن بر ادعاهاي پوچ و بي‌اساس مدعيان جدا انگاري دين از سياست، كارآمدي دين را به عنوان آئيني رهايي‌بخش به منصه ظهور رساند.

انقلاب اسلامي سرآغاز خيزشها:

پيروزي انقلاب اسلامي در سال 1979 ميلادي(22 بهمن 1357 شمسي) اتفاق غير‌مترقبه‌اي بود كه حتي رئيس وقت سازمان آمريكا آن را پيش‌بيني نشده تلقي كرده بود.

آمريكا در سالهاي مقارن با پيروزي انقلاب اسلامي در منطقه دو ركن اساسي براي حفظ منافع خود پيش‌بيني كرده بود كه ايران و مصر معروف به دو ستون يا نردبان، دو پايه استراتژي آمريكا بودند كه كاملاً مطيع اوامر و تصميمات آنان بوده و به عنوان ژندارم غرب در منطقه عمل مي‌نمودند.

وقوع انقلاب اسلامي، سرنگوني رژيم پهلوي و از دست رفتن اولين ركن استراتژي حفظ منافع آمريكا در خاورميانه، دولت آمريكا را دچار بهت و سرگرداني كرد به حدي كه تا مدتها، قدرت تصميم‌گيري از آنها سلب شده بود.

استقرار نظام اسلامي با پشتوانه مردمي و به رهبري يک چهره روحاني و مذهبي دست‌پرورده مكتب اسلام و قرآن به هيچ عنوان براي غرب قابل تحمل نبود.

روش و استحكام نظام اسلامي و پايه‌گذاري اركان حكومتي از جمله عواملي بود كه هر روز حيرت و سرگرداني غرب و خصوصاً آمريكا را بيشتر مي‌كرد.

وزير خارجه وقت آمريكا در سفرش به كشورها عربي منطقه براي كنترل انقلاب اسلامي و جلوگيري از نفوذ معنوي آن در بين مردم منطقه در مصاحبه با رسانه‌هاي گروهي به‌طور علني اعلام مي‌كند كه« بايستي ريشه انقلاب اسلامي در منطقه خشكانده شود». البته اين آرزويي بود كه وي به گور برد و نه تنها هيچ‌وقت محقق نشد بلكه روز به روز با گذشت زمان، ديدگان جهانيان شاهد رشد و نمو تفكر انقلابي در مردم مسلمان بوده و موج عظيم بيداري كم‌كم گوشهاي خفته در خواب غفلت را با نداي بيداري نوازش مي‌كند.

البته اقدامات غرب براي جلوگيري از پيروزي انقلاب اسلامي و به ثمر نشستن نهال نوشكفته آن خود مقوله‌اي است كه هر كدام نياز به بحث و استدلال جداگانه دارد. علي اي حال به خواست الهي تفكر منبعث از الهامات قرآني در ايران طومار رژيم استبداد پيشه و غيرمردمي پهلوي را پس از 50 سال حكومت ظالمانه در هم پيچيد و آنها فرار را بر قرار ترجيح و به‌وطر دسته‌جمعي مجبور به ترک خاک پاک ايران‌زمين شدند.

ايران سرمشقي شد دوسويه، كه هم مسلمانان و آزادگان جهانآن را الگو قرار داده و به اين بارقه اميد با چشم بيدار بنگرند كه اگر در آنها اراده‌اي و همتي با تسک به تفكر الهام‌بخش قرآني باشد مي‌توانند با حفظ وحدت و يكپارچگي از زير يوغ استعمار و استثمار رهايي يابند. از سوي ديگر سردمداران استكبار جهاني به عنوان زنگ خطر دريافتند كه اگر به‌طور جدي دست به اقدامات كنترلي و سركوب‌گرانه نزنند، دولتهاي منطقه يكي پس از ديگري انقلابي شده و حاكمان موجود سير سرنگوني را طي خواهند نمود.

خوي استكباري و ددمنشي آنها بر آن داشت تا پرده از چهره تزوير كنار زده و آشكارا اقدامات سركوب‌گرانه را كشق راه آينده خود قرار دهند. البته شيوه اجرا را طوري گزينش كردند كه اثر آنها كمتر مشاهده شود. بيشتر اقدامات بوسيله حكام وابسته داخلي و عوامل و عناصر تربيت شده و وابسته صورت مي‌گرفت و در برخي نقاط مستقيماً مجبور به اقدام مي‌شدند.

پرچم انقلاب اسلامي كه در يران در حال اهتزاز بود رهبر بيداردل و آينده‌نگر آن، حضرت امام(ره) در سخنان خود باب جديدي را به روي ملت مسلمان و خداجويجهاني باز كردند. اين پير و مراد عاشقان تنها به فكر نجات مردم يک كشور نبودند بلكه علاقمند بودند كه رايحه دل‌نشين آزادي اسلامي جهان مسلمين را نيز معطر كند. اما مسلمانان و علماي اسلام را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

« اي مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپا خيزيد! و اي علماي اعلام جهان اسلام، به داد اسلام و بلاد مسلمين و مسلمانان برسيد.»

ايشان كه همچنان بر قدرت لايزال الهي متكي بوده و پيروزي مردم مسلمان ايران را مرهون الطاف الهي مي‌دانستند با تمسّک به آيه:« أِن تَنصُرُوا ا ينصُركُم وَيثَبّيت أَقدَامَكُم»[2] خطاب به مردم مسلمان جهان چنين فرمدند:« همچون سلحشوران ايران شهادت را بر ذلّت و شرف اسلام و انساني را بر رفاه و عيش چند روزه توأم با خواري و شرمساري ترجيح داده و در ميدان نبرد سياسي و نظامي بر آنان چيره شويد و از هياهوي تبليغاتي آنا باک نداشته باشيد.

فريادي كه از قلب مؤمن است بر همه چيز غلبه مي‌كند. بر كاخ سفيد هم غلبه مي‌كند.... [3]

دين اسلام دين خاتم است براي نجات همه انسانهاست. اختصاصا به زمان و نسل خاصي ندارد يكي از دلايل عمده مخالفت جهان‌خواران از گذشته تاكنون نيز همين مسئوليت است.

وقتي از طرف پيامبر اسلام به مردم مخاطب خود ابلاغ شد كه بعد از ايشان ديگر پيامبري نخواهد آمد و دين معرفي شده بوسيله‌ ايشان آخرين دين الهي است. با اينكه عهد ذهني داشتند و در كتب آسماني پيشين نيز به پيروان آنها يادآوري شده بود كه در آينده پيامبري خواهد آمد با چنين ويژگي‌هايي كه دين او آخرين دين الهي است ولي باورش براي آنها سخت بود. بنابراين پس از ارسال رسل و انزال كتب مسئوليت هدايت انسانها بر عهده انسانهاي وارسته‌اي قرار گرفت كه در جرگه امامت مردم قرار دارند علماي بزرگ و تربيت‌يافته در مكتب امامت و ولايت سلسله مراتب هدايت‌كننده پس از امامان مي‌باشند.

لذا حضرت اما خمینی(ره) به عنوان ولی فقیه مسلمین و رهبر آزادیخواه، وقتي با نصرت الهي و به پشتوانه حمایت مردم ایران توانست بر رژیم طاغوت پهلوي مسلط آید، مردم ستمدیده و مظلوم جهان را فراموش نکردند و در بیان دیگري پیرامون« نسیم بیداري» فرمودند:

« امروزه نسیم بیداري در سراسر جهان وزیدن گرفته و توطئه‌هاي فریبگر ستمکاران تاحدودي فاش شده است وقت آن است که دلسوختگان واقعي مظلومان از هر قوم و قبیله در هر مرز وبوم با قلم، بیان، اندیشه و فکر از جنایات ستمگران در طول تاریخ سیاه آنها پرده بردارند و پرونده‌هاي تجاوز آنان را به ساکنین این سیاره ارائه دهند و علما و دانشمندان سراسر جهان بویژه علما و متفکران اسلام بزرگ، یکدل و یک جهت در راه نجات بشریت از تحت سلطه ظالمانه این اقلیت حیله‌باز و توطئه‌گر که با دسیسه‌ها و جنجال‌ها، سلطه ظالمانه خود را بر جهانیان گسترده‌اند، بپاخیزند و با بیان، قلم و عمل خود خوف و هراس کاذبي را که برمظلومان سایه افکنده است بزدایند.» [4]

امام در این بیان خود ضمن ارائه طریق مبارزه، براي اقشاري از جامعه نیز مسئولیت معلوم نموده‌اند. به اهل قلم و بیان خطاب کرده‌اند که خداوند اگر به شما نعمتي داده است توانایي در شما ایجاد شده که با بیان و یا با قلم خود مي‌توانید به نهضت دبیداري کمک کنید پس نباید فرصت را از دست دهید. ضمن اینکه در این مسیر نیز مسئولیت دارید. بنابر نص صریح قرآن کریم که فرموده است:« وَمَا خَلَقتُ الجِنَّ وَالإِنسَ إِلّا لِیعبُدُونِ» خلقت انسان هدفمند است و او در این مسیر زندگي باید تلاش کند تا اهداف منظور شده تحقق یابد. خصوصاً انسانهاي خداجو و متعهد در قبال حوادث جامعه خود مسئولیت دارند. اگر آنها به این مسئولیت توجه نکنند در روز تبلي السرائر باید جوابگو باشند.

مورد خطاب دیگر حضرت امام(ره) علما، دانشمندان سراسر جهان خصوصاً علما و متفکران جهان اسلام است. کساني که خود را پیرو مکتب انسان‌ساز و مسئولیت‌آور اسلام مي‌دانند پس باید به آموزه‌هاي دیني نیز عمل کنند.

اما از آنها مي‌خواهد که در مسیر مبارزه با ظلم و ستمگر باید اتحاد و همدلي را برگزید. همه توان و استعدادهاي بالقوه و بالفعل در کنار هم قرار گیرند و هم افزایي ایجاد کنند تا محور کفر و الحاد را شکست دهند. به نظر آن راحل بزرگوار ظالمین در اقلیت هستند. عدد آن قلیل است. مفهوم دیگر بیان حضرت امام این است که آنها بر باطل مي‌باشند. وعده الهي براي نصرت و پیروزي اهل حق است نه باطل. تجربه تاریخي هم نشان داده است که انسان‌ها بر هر دین و مسلکي که باشند به یک سري از ارزشهاي انساني علاقمند و از آنها حمایت مي‌کنند. از جمله این ارزشها درستي، صداقت و عدالت... مي‌باشند.

پس حيله‌بازي و توطئه‌گري خودبخود مورد تنفر است و اهل خود را نيز منفور مي‌كند. يعني افكار عمومي جهان از اين خصائص دوري مي‌جويند و تعداد طرفداران و پيروان آنها را در اقليت قرار مي‌دهند.

در اوان پيروزي انقلاب اسلامي رهبر بيداردل انقلاب اسلامي با تيزبيني و آينده‌نگري چشم‌انداز آينده را در منظري بلند و طولاني قرار داد. ايشان آمادگي مردم مسلمان منطقه را براي روي‌آوردن به اسلام پيش‌بيني كردند لذا به همين منظور از ابتداء اين فرصت را از دست نداده و مردم را هم از نعمت حمايت و هدايت خود محرومخ نكردندئ. اين رفتار حضرت امام نشان داد كه نيت باطني و خيراندیشي ايشان چقدر عميق و وسيع است. او همان كاري را كرد كه اجداد بزرگوار و سلف خلف ايشان در اعماق تاريخ انجام داده‌اند. رهبري و دوراندیشي يعني همين. برخلاف رهبران مادي‌نگر كه به محض اينكه كشتي نجات آنها بر ساحل آرامش قرار گرفت كاري به ديگر خلايق جهان ندارند. بلكه به دنبال آنند تا چگونه بر قلمرو حكومتي خود اضافه كنند و يا منافع فردي و گروهي خود را چگونه توسعه دهند؟

نداي ملكوتي حضرت امام(ره) وقتي در جهان طنين‌انداز شد، گوشهاي شنوا و دلهاي بيدار آلارم هوشيار باش را دريافت كردند. پايه و اساس خيزش امت اسلامي در جاي جاي كشورهاي اسلامي پايه‌ريزي شد احزاب، گروهها و جنبش‌هاي مختلف، سازمان‌دهي شد و هركدام با اهداف و مرامنامه‌ي خاصي اعلان موجوديت نمود، كه بررسي عمق هركدام از آنها فرصت و مجال ديگري را مي‌طلبد. ولي اين حركت عظيم و متحد دل دشمنان مستكبر را لرزاند. همه به دست و پا افتادند تا شايد بتوانند اين طفل تازه متولد شده ار در اوان كودكي از رمق بيندازند ولي بي‌خبر از آن كه« نور خدا با فوت دشمنان خاموش شدني نيست».

ارائه شاخص قيام:

درگير شدن با حكومتهاي فاسد، فاسق و ستمگر، كاري بس بزرگ است و نيازمند تدبير، سازماندهي توان و امكانات برنامه‌ريزي و شاخص‌گذاري است. اگر مبارزين در مسير مبارزه خود بي‌تدبيري كنند مقاومت آنها قطعاً به دست حكومت جبار وقت سرنگون خواهد شد. حضرت امام(ره) كه به اين معنا واقفند و آسيب‌هاي مبارزات را با پوست و خون درک كرده‌اند، در بياني به شكورهاي زيرسلطه چنين مي‌فرمانيد:

«... به آنان صريحاً مي‌گويم كه حق گرفتني است قيام كنيد و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاريخ و روزگار براندازيد...» [5]

ملت از اين تدبير دريافتند كه زورگويان براحتي از مركب مراد پايين نخواهند آمد. حق گرفتني است و قيام براي گرفتن حق از الزامات آن است. ضمناً در اين بيان حضرت امام(ره) راهبردي ديگر به دست آمده است كه تئوريسين‌ها بخوبي آن را دريافته‌اند و آن عاقبت ابرقدرت‌هاست كه اگر ملت مظلوم و محروم قيام كند غايت آمال و مطلوب نظر آنها محو ابرقدرتها از صحنه روزگار است پس بيهوده نيست كه آنها با تمام توان در مقابل انقلاب اسلامي و خيزش‌هاي بيدار مي‌ايستند، چون قصه بود و نبود در كار است، ديگر مسئله برد و باخت نيست. موجوديت آنها مورد هدف واقع شده است. از آنجائيكه حضرت امام(ره) درک مي‌كردند كه ابرقدرتها در مقابل قيام مردم بيكار نخواهند نشست و حتماً براي رهايي خود دست به اقدام خواهند برد. آن رهبر بي‌دليل در سخنراني ديگر سريعاً مردم را توجيه كرده و براي آماده‌سازي ذهن آنها مي‌فرمايند:

« در كشورهاي اسلامي و مستضعفان جهان قدرت اسلامي خود را بيابند و از عربده‌هاي شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌هاي آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالي و اتكال به قدرت اسلام و ايمان بپا خيزند و دست جنايتكاران را از كشورهاي خود كوتاه كنند.» [6]

اين نداي بيدارباش رهبر كبير انقلاب اسلامي در بستر تاريخ، زمينه‌ساز تحركي شد تا پايه ظلم و ستم را بسوزاند.

همچنانكه رهبر بزرگوار انقلاب اسلامي حضرت آيت‌ا... خامنه‌اي در ديدار با مردم فارس در روز شنبه 2/90/3 فرمودند:

« اين بيداري ملتها پايان ندارد. رژيم‌هاي حاكم آنان بدانند كه با سركوب و ظلمي كه برآنها روامي‌دارند ديگر نمي‌توانند آنها را خاموش كنند.»

دشمن سالهاست كه روي منطقه خاورميانه سرمايه‌گذاري كرده است. در طرح اوليه آمريكا كه دنبال كدخدايي جهان بود، تشكيل خاورميانه تحت تسلط غرب مدنظر بود. سالهاست كه راهبرد آمريكايي‌ها حول همين محور مي‌چرخد. اگر به بهانه سركوب طالبان به افغانستان حمله كردند تا جاي پايي در منطقه باز كنند و راهي براي لشكركشي داشته باشند، بتوانند افكار عمومي را همچنان در ابهام فرو برند، كمي كه خود را در رسيدن به هدف موفق احساس كردند، خانم رايس در يک سفر منطقه‌اي اعلام كرد كه حمله اسرائيل به جنوب لبنان درد زايش خاورميانه جديد(بزرگ) است. آنها به خيال خود با جنگ 33 روزه قصد ذداشتند كه مسئله كرانه‌هاي باختري را حل كرده و براي هميشه همچنانكه به هم‌پيمانان خود قول داده

بودند، امنيت اسرائيل را برقرار كنند. ولي از قدرت اسلامي مردم مسلمان بي‌خبر بودند. فكر نمي‌كردند كه طرح‌هاي دقيق و تئوري‌هاي پيچيده رياضي آنها ممكن است با طوفان شن يا دعاي نيمه‌شبي بر هم بريزد.

حضرت آيت‌ا... خامنه‌اي سال گذشته در ديدار با گروه‌هاي مبارز فلسطيني نيز فرمودند:

« شكي نيست كه براساس حقايقي كه خداي متعال تقدير كرده است، خاورميانه جديد شكل خواهد گرفت و اين خاورميانه خاورميانه اسلامي خواهد بود.:

با اين تدبير ابتكار از دست غرب خارج شد. يعني علي‌رغم تلاش چندين ساله و سرمايه‌گذاري‌هاي كلان بر روي كشورها و گروه‌هاي مخرب و معارض منطقه برنده اين ميدان مردم مسلمان و انقلاب اسلامي است.

ايشان در جاي ديگر با بهره‌گيري از وضعيت بحران زده و سردرگم غرب و رژيم‌هاي وابسته به آنها كه امروز مديريت كشورهايشان نيز از دست آنها دررفته است فرمودند:

« ما امروز در يک برهه حساس به سر مي‌بريم... شايد در يک مجال كوتاه برايش استدلال هم نشود ارائه كرد. البته مستدل است، منتها شايد در دو كلمه نشود استدلالي برايش بيان كرد. اين است كه مراكز استكباري جهاني در مقابله با حركت اسلامي كه نماد واقعي‌اش جمهوري اسلامي است دارند آخرين تلاشهاي خودشان را مي‌كنند. در بسياري از عرصه‌ها تلاشهايشان و تدابيرشان به بن‌بست خورده و كار از دستشان دررفته است. اين كمربندي كه اينها به دور مسايل جهاني كشيده بودند و حيطه‌بندي‌اي كه كرده بودند در حساس‌ترين نقاط روي زمين يعني خاورميانه، اين كمربند پاره شده است يا سست شده، حداقلش اين است ولي به نظر من پاره شده و از دستشان دررفته است. »

آينده‌نگري مقام معظم رهبري روي پاره شدن حيطه‌بندي نظام استكباري درست از آب درآمد و طولي نكشيد كه همه جهانيان مششاهده كردند كه اروپا و آمريكا در حل معظلات پيش آمده نه تنها بي‌خاصيت شده‌اند بلكه تكليف خود را هم نمي‌دانند.

استكباري كه در حمله به عراق آن چنان دستپاچه عمل مي‌كند كه وقعي براي شوراي امنيت قائل نشده و بدون مجوز جهاني حمله به عراق را آغاز مي‌كند. چرا كه مي‌ترسد مبادا طفل در حال تولد بنام خاورميانه سر در زانو بميرد و در اين بين مادر دلسوزي از بين كشورهاي مسلمان وابستگي آن را تقبل

كرده و جا پايي براي آمريكا باقي نگذارد. ولي امروزه سئوال اساسي افكار عمومي از آمريكا و شوراي امنيت اين است كه پس قدرت بازدارندگي شما كجاست؟ چرا بايد ملت ليبي توسط حاكم جبار و خون‌آشام آن قتل عام شود ولي شماها بر سر مسئله فرماندهي كار و يا اينكه از توان نظامي خود براي سركوب استفاده كنيد يا نكنيد؟ تعلل نمائيد و بعد از مدتها فرصت‌سوزي عاقبت به صورت نمادين در اين ميدان حاضر شده اما بدون آنكه مؤثر باشيد آبروي نداشته چند ساله خود را برده و ابهت ابرقدرتي شما در مقابل ديدگان مردم خرد شود.

مقام معظم رهبري در سالگرد رحلت حضرت امام(ره) سال 89 در جمع دوستداران آن حضرت در حرم مطهرش نويد داده بودند:

« گسترش موج بيداري در دنياي امروز حقيقتي است كه فرداي نيكي را به ملت اسلامي نويد مي‌دهد از سه دهه پيش كه با پيروزي انقلاب اسلامي و تشكيل نظام جمهوري اسلامي اين خيزش پرقدرت آغاز شده، امت بزرگ ما بي‌وقفه پيش رفته، مانعي را از سر راه برداشته و سنگرهايي را فتح كرده است. پيچيده‌تر شدن شيوه‌هاي دشمني استكبار و تلاش پرهزينه‌اي كه در مقابله با اسلام مي‌كند نيز به دليل همين پيشرفت‌هاست. تبليغات وسيع دشمن در جهت اسلام هراسي، تلاش شتاب‌زده‌اي كه براي ايجاد اختلاف ميان فرقه‌هاي اسلامي و برانگيختن تعصب‌هاي فرقه‌اي مي‌كند...» [7]

آنها كه هميشه همراه رهبر نيك‌انديش اسلامي هستند و تدابير خيراندیش او را دنبال مي‌كنند خوب دريافته‌اند كه پيش‌بيني امام گونه‌ايشان چقدر با واقعيت‌هاي فعلي جهان مطابقت پيدا كرده و درست بر هدف نشسته است.

امروز حكومت علي عبدا صالح در يمن و آل خليفه در بحرين بر موجي از اعتراضات مردمي سوار است كه هر لحظه آن را به سمتي مي‌برد كه غايت آن سرنگوني و نابودي است.

حضرت آقا در مورد صدور انقلاب معتقدند:

« ما انقلاب را امروز نمي‌خواهيم صادر كنيم. انقلاب يک بار صادر مي‌شود و شد اين كه مي‌بينيد امروز در سرتاسر دنيا گرايش و ايمان اسلامي زنده شده است اين كه مي‌بينيد ملتها در شمال آفريقا و در خاورميانه و درشرق و غرب كشورهاي اسلامي بيدار شده‌اند.... همه حاكي از اين است كه انقلاب اسلامي در اول وقوع خود صادر شده است.» [8]

آمريكاييان سالهاست كه در مقابل انقلاب اسلامي و ملتهاي مسلمان عربده‌كشي مي‌كنند و چنگ و دندان نمشان مي‌دهند. در طي سالها پيروزي انقلاب اسلامي به انواع ترفندها دست بردند، در هر كشوري عياري خود را بسيج نمدند تا شايد نهال اسلامي به گل نشسته در قلب مردم را از ريشه بخشكانند ولي در مقابل رهبر بيداردل انقلاب اسلامي اين توهم باطل آمريكائيان را چنين تفسير مي‌كند:« آمريكائيان مي‌دانند كه در دنياي اسلام آينده‌اي ندارند. براي اين كه بيداري اسلامي به حركت‌هاي انقلابي منتهي نشود، پيش‌دستي مي‌كنند و مي‌خواهند چيزي را كه براثي ملتها سرنوشت محتوم است با ابتكار و حركت‌هاي پيشدستانه خودشان عقب بيندازند.

جهان اسلام براي به نتيجه رسيدن اين بيداري اسلامي نياز به اتحاد دارد. اگر رهبران ديني براساس پايه و اصول قرآني گرد هم آيند و مسائل فرعي را كنار گذاشته و مواظب فريبكاري و تفرقه‌افكني دشمنان قسم‌خورده باشند. تا پيروزي نهايي و به نتيجه رسيدن چند گام ديگر باقي نمانده است.» [9]

همانگونه كه در ديدار با مسئولان و كارگزاران حج در 8/2/1372 خطاب به حكام مصر چنين هشدار دادند:« ملت مصر خيانت سران خودش را تحمل نخواهد كرد.»

سپس در توضيح و تبيين اين بيانات شفاف‌سازي كردندكه:

« ملتي مثل ملت مصر خودشان تكليفشان را مي‌دانند. خودشان آگاهند كه چه بايد بكنند و درست هم فهميده‌اند، جوانان مصر درست فهميده‌اند كعه در مقابل حكومتي كه به آرمان اسلامي و به آرمان فلسطين و به سرنوشت كشورهاي اسلامي خيانت مي‌كند ايستاده‌اند. اشتباه اينها در همين است كه قدرت و نيرو و تأثير اسلام را نمي‌توانند بفهمند.» و دنيا امروز متوجه شده كه آينده‌نگري رهبر جمهوري اسلامي چقدر درست و قابل اتكا است.

---

[1] - کتاب انسان و ایمان استاد مطهري.

[2] - سوره محمد، آیه 7.

[3] - صحیفه اما، ج19، ص290.

[4] - همان، ج19، ص148.

[5] - به مناسبت سالروز پیروزي انقلاب 22/11/58.

[6] - صحیفه امام، ج 15، ص 61.

[7] - بیانات مقام معظم رهبري در حرم اماه(ره)، 14/3/89.

[8] - پیام مقام معظم رهبري به حجاج، 24/8/89.

[9] - بیانات مقام معظم رهبري در حرم اماه(ره)، 14/3/84.